



پ CIVETS

مترجم: ته‌مین‌ه مولانا

شاخص‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۰

موازنه‌ی بودجه (% از تولید ناخالص داخلی)	تورم قیمت مصرف‌کننده (% ۸۷)	سرنانه تولید ناخالص داخلی (برحسب دلار آمریکا)	جمعیت (برحسب میلیون)	
-۳.۹	۲.۶	۹۲۰.۸	۴۶.۹	کلمبیا
-۲.۲	۵.۱	۲۳۰.۴	۲۴۳.۰	اندونزی
-۷.۷	۹.۳	۱۵۰.۳	۸۷.۸	ویتنام
-۸.۷	۱۱.۸	۹۱۰.۵	۸۴.۷	مصر
-۴.۵	۸.۷	۷۴۰.۱۲	۷۳.۳	ترکیه
-۶.۳	۵.۸	۷۳۰.۱۰	۴۹.۱	افریقای جنوبی

اقتصاد ترکیه، پویاست و در حال حاضر روندی اصولی پشتوانه‌ی آن است که سبب شده تا رشد بلند مدت اقتصادی در این کشور تضمین گردد.

ترکیه ششمین اقتصاد بزرگ اروپا به‌شمار می‌رود و در سال ۲۰۰۹ توانست با تولید ناخالص داخلی ۶۱۵ میلیارد دلار جایگاهی در بین بیست اقتصاد برتر جهان پیدا کند. سرنانه تولید ناخالص داخلی ترکیه ۸۰۰۷ دلار از هر کشور عضو BRIC بیشتر است.

در سال مالی ۲۰۱۰، بازده صنعتی ۲۱ درصد جهش داشته، تورم نسبت به آمار دورقمی سال‌های قبل، به ۶.۱ درصد کاهش یافته، و میزان بدهی‌های ترکیه کمتر از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد.

برای ائتلاف چند کشور بر سر اهداف سیاسی یا اقتصادی معمولاً یک سرنام یا به اصطلاح مخفف برگزیده می‌شود. از جمله نمونه‌های قدیمی ترمی توان به EU، OPEC و G7 و از سرنام‌های جدید به G20 یا PIIGS^۲ و البته BRICS اشاره نمود.

امروز میان صاحب‌نظران عرصه‌ی اقتصاد، بحث‌های تازه پیرامون CIVETS^۳ در حال شکل‌گیری است: کلمبیا، اندونزی، ویتنام، مصر، ترکیه و افریقای جنوبی، شش کشوری محسوب می‌شوند که احتمالاً موج بعدی بازارهای نوظهور را تشکیل می‌دهند. برخورداری از امتیازاتی همچون جمعیت زیاد و جوان، اقتصاد تنوع‌یافته، ثبات نسبی اقتصادی و سیستم‌های مالی کارآمد، پیش‌بینی‌های امیدوارکننده‌ی برای این شش کشور رقم زده است. به علاوه، این مناطق چندان با فاکتورهای تورم، عدم توازن در بازرگانی یا بدهی‌های عمده درگیر نمی‌باشند.

در اینجا به پاره‌ای نظریات و بررسی‌های درباره این گروه پرداخته می‌شود. با کلمبیا آغاز می‌کنیم، که تلاش فراوانی کمرنگ ساختن مسئله‌ی تروریسم برای مردم کرده و در عوض چشم به سیاست‌های امیدبخش دولت در بهبود شرایط کسب و کار دوخته است. طبق اظهارات رئیس جمهوری اسبق کلمبیا، الوارو اوریب^۴، سیاست‌ها برای ثبات اجتماعی و خلق مشاغل تدوین گردیده است. در ۵ سال گذشته اوبانی تغییراتی در قوانین بوده و در جهت ترغیب شرکت‌ها برای ورود به عرصه و کمک به توسعه‌ی منابع نفتی تدابیر موثری اتخاذ کرده است. به این ترتیب، دلارهای حاصل از فروش نفت مجدداً برای زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید سرمایه‌گذاری می‌شود.

این درست معکوس جریانی است که هوگو چاوز در ونزوئلا در آن حرکت می‌کند، مکزیک و سیاست مرتبط بانرژئی در این کشور نیز مشابهت زیادی با ونزوئلا دارد. هردو این کشورها، عملاً شاهد تهی شدن منابع ارزشمندشان هستند در حالی که هیچ سیاستی به منظور استفاده از سرمایه‌فکری^۵ در این مناطق اعمال نمی‌گردد.



بازارهای نوظهور برای آینده؟

نویسنده: فرانک هولمز^۱

امروز، درآمد سرانه کشور با رقم ۱,۰۵۰ دلار در سال ۲۰۰۹ در مقایسه با اواسط دهه ۱۹۹۰ حدوداً پنج برابر بیشتری باشد و طبق آمارهای دولتی، در هانوی پایتخت این کشور، سطح درآمد سرانه به ۲,۰۰۰ دلار هم می‌رسد. فراتر از CIVETS در نقاط دیگری هم پتانسیل‌هایی مشاهده می‌گردد. برای مثال، اقتصاد مالزی بیش از ۱۰ درصد در فصل نخست سال ۲۰۱۰ رشد داشت، و این کشور قصد دارد تا ضمن کاستن از کسری بودجه، بر تخصیص سرمایه‌ی بیشتر در راستای بهبود زیرساخت‌ها تمرکز بیشتری بنماید. و در شیلی، بدهی دولت فقط ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی آن را شامل می‌شود و رشد ۵,۵ درصدی در سال ۲۰۱۰ به تحقق پیوسته و انتظار می‌رود که نظر به شتاب روزافزون صادرات منابع به بازارهای نوظهور، در سال ۲۰۱۱ رشد اقتصادی شیلی به حدود ۶,۵ درصد برسد. بدینسان، کشورهای بهره‌مند از بازارهای نوظهور مانند CIVETS, BRICs و سایرین، با بهترین فرصت‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت، هدایتگر مسیر رشد اقتصادی جهانی خواهند بود.

و با وجود اینکه نیمی از صادرات ترکیه به اروپاست، لیکن دولت فعلی گام‌هایی را در جهت توسعه‌ی صادرات به ویژه به خاورمیانه- عربستان سعودی، عراق و مصر- برمی‌دارد تا با توجه به عدم ثبات موجود در اروپا، مبادا صادرات ترکیه با تهدید مواجه باشد. اندونزی با ترکیب جمعیتی و منابع طبیعی و سیاست‌های نسبتاً پایدار از امتیازات لازم برای یک دهه رشد جدی برخوردار می‌باشد. اندازه‌ی اقتصاد این کشور، ظرف پنج سال گذشته دو برابر شده و در جاکارتا - با تقریباً ۲۳ میلیون نفر جمعیت - ظرف ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ سرانه تولید ناخالص داخلی سالانه ۱۱ درصد افزایش داشته است. مهمتر اینکه، فرآیند رشد توسط بخش خصوصی در این کشور هدایت می‌شود نه با هزینه‌ی دولت.

بخش خصوصی تقریباً ۹۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را در اختیار گرفته است. و بازم از پنج سال قبل تاکنون، میانگین درآمد دوبرابر شده (۲,۳۵۰ دلار در سال) و کارشناسان اعتقاد دارند که این رقم تا پایان سال ۲۰۱۱ می‌تواند به سهولت تا ۵۰ درصد دیگر نیز افزایش یابد. علیرغم این رشد چشمگیر درآمد، اندونزی هنوز پایین‌ترین هزینه‌های کارگر در منطقه آسیای شرقی دارد. به همین علت فعالیت‌های تولیدی در چین به این منطقه جلب شده است.

رشد استخدام، عامل کلیدی بهبود اقتصاد اندونزی به نظر می‌رسد چرا که نیمی از جمعیت آن ۲۵ سال یا کمتر دارند و بر این اساس نیروی کار به عنوان بخشی از کل جمعیت کشور در ۲۰ سال آینده افزایش قابل توجهی خواهد داشت که بی‌تردید با این جمعیت، میزان مصرف بالا رفته که این مسئله به رشد اقتصادی اندونزی نیرو می‌بخشد.

در سال‌های اخیر، ویتنام شاهد رشد اقتصادی سریعی بوده است. همینطور مقادیری از پایگاه‌های تولیدی که سابقاً در چین مستقر بوده را به سوی خود کشانید است.

1-Frank Holmes

2-PIIGS

(European nations with dangerously Large sovereign debt burdens)

3-Colombia, Indonesia, Vietnam, Egypt, Turkey&South Africa

4-Alvaro Uribe

5-Intellectual Capital

منبع: www.dailymarkets.com